

بررسی تحول سیمای حضرت محمد ﷺ در آثار شعرای قرن طلایی ادبیات روسیه

مهنوش اسکندری^۱
علی سعیدی^۲

چکیده

بسیاری از شعرای روس با الهام از قرآن و مفاهیم اسلامی، اشعاری را به رشته تحریر درآورده‌اند. در قرن نوزدهم میلادی و پس از انعقاد عهدنامه گلستان و پیوستن قفقاز به روسیه در سال ۱۱۹۲ هجری شمسی، رفت‌وآمد روس‌ها به این منطقه بیشتر شد و موجبات آشنایی بهتر آنان با اسلام، قرآن و پیامبر ﷺ فراهم آمد. یکی از موضوعاتی که در آثار و به‌ویژه اشعار شعرای روس به چشم می‌خورد، موضوع شخصیت و زندگی پیامبر اسلام ﷺ است که به دلایلی کمتر مورد توجه مترجمان و محققان قرار گرفته است. مقاله حاضر، تلاشی است برای شناساندن شعرای روس‌زبانی که در آثار خود به آن حضرت اشاره داشته‌اند. خواهیم دید که تا پیش از قرن نوزدهم میلادی، برداشت از شخصیت پیامبر ﷺ برداشتی مبهم بوده؛ اما پس از پیوستن قفقاز به روسیه و پس از آنکه پوشکین مجموعه اشعار «به تأسی از قرآن»^۳ و «پیامبر»^۴ خود را می‌سراید، تحولی شگرف در این برداشت به وقوع می‌پیوندد. می‌توان گفت پوشکین در ایجاد این تحول، نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی

حضرت محمد ﷺ، شعرای روس، قرن نوزدهم، ادبیات روسیه، پوشکین.

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی رحمه الله: eskandari.mahnush@gmail.com

۲. دکترای آموزش زبان روسی: Ali.saeidi64@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

۳. Подражание Корану.

۴. Пророк.

مقدمه

قرن نوزدهم در ادبیات روسیه به عنوان قرن طلایی شناخته می‌شود؛ چراکه نویسندگان و شاعران نامدار و بزرگی همچون: الکساندر سرگیویچ پوشکین (۱۸۳۷-۱۷۹۹)، نیکلای واسیلویچ گوگول (۱۸۵۲-۱۸۰۹)، ایوان سرگیویچ تورگنیف (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، فئودور میخایلوویچ داستایفسکی (۱۸۸۱-۱۸۲۱)، لف نیکلایویچ تالستوی (۱۹۱۰-۱۸۲۸)، آنتون پاولویچ چخوف (۱۹۰۴-۱۸۶۰)، در این قرن می‌زیسته‌اند. به گفته ولادیمیر واسیلویچ کاتایف، ادب شناس مشهور روس: «بازه‌ی زمانی بین ولادت پوشکین (۱۷۹۹) و فوت چخوف (۱۹۰۴) یک قرن است که به قرن طلایی ادبیات کلاسیک روسیه مشهور است. این دو نویسنده‌ی مشهور، در آغاز و پایان یک زنجیر ناگسستنی ادبیات قرار گرفته‌اند.» (سروف، ۲۰۰۳: ۱۱۶) دلیل نامگذاری قرن نوزدهم به نام قرن طلایی ادبیات روسیه این است که در این دوره، توجه به ادبیات ساده‌فهم بیشتر شد و می‌توان گفت برجسته‌ترین شاعران و نویسندگان روس در این دوره می‌زیسته و آثار فاخری را از خود به یادگار گذاشته‌اند.

درست است که نامدارترین و برترین شاعران و نویسندگان روس در این قرن می‌زیسته‌اند و برترین آثار شعر و نثر به زبان روسی در همین دوره سروده شده است؛ اما شکوفایی شعر و آثار ادبی در قرن طلایی ادبیات روسیه ریشه در قرن هجدهم دارد. تاریخ ادبیات روسیه به روشنی گواه این مطلب است که قرن هجدهم در ادبیات روسیه، مقدمه و زمینه‌ای برای شکوفایی ادبیات روس در قرن طلایی به‌شمار می‌آید.

در آثار و اشعار نویسندگان و شاعران قرن هجدهم ادبیات روسیه که در میان آنها، افرادی مانند: نیکلای پتروویچ اوسپوف، پیوتر ایوانویچ ماکاروف، الکساندر نیکلایویچ رادیشف، گاوریل پتروویچ گاگارین، میخائیل ایوانویچ پوپوف، نیکولای میخایلوویچ کارامزین، میخائیل واسیلویچ لامانوسوف، واسیلی کیریلویچ تردیاکوفسکی، آنتیوخ دیمیتروویچ کانتی میر قرار دارند، می‌توان گفت که به‌ندرت عناصر شرقی و اسلامی به‌چشم می‌خورد.

در تأیید این مطلب، سخنی را از پیوتر واسیلویچ الکسیف (۱۹۳۲) نقل می‌کنیم. او در باره‌ی عناصر شرقی و اسلام در ادبیات قرن هجدهم روسیه چنین می‌نویسد: «هرچند در این دوره عناصر شعر شرقی در آثار شاعران و نویسندگان روس به‌چشم نمی‌خورد و علاقه خاصی به مذهب اسلام و تفکر اسلامی در نویسندگان و شاعران روس وجود ندارد؛ اما اسلامی که ولتر (۱۷۷۸-۱۶۹۴)، نویسنده فرانسوی عصر روشنگری و مونتسکیو (۱۷۷۵-۱۶۸۹)، متفکر سیاسی عصر

روشنگری، در نوشته‌های خود تبیین کرده بودند، باعث شد که در آثار شاعران و نویسندگان غربی و به تبع آنان، در آثار نویسندگان روس کشش و علاقه‌ای نسبت به مشرق زمین پدیدار گردد.» (الکسیف، ۲۰۰۷: ۷۰)

با توجه به همین گرایش و ایجاد علاقه به ادبیات مشرق زمین بود که کوچلبکر نوشت: «فردوسی، حافظ و سعدی در انتظار خوانندگان روس هستند.» (نقل از مشریاکوف، ۱۹۸۳: ۱۹۰) البته، علاقه و توجه به مفاهیم مربوط به مشرق زمین در اروپا، سال‌ها پیش از روسیه به وجود آمده بود. افزایش این گرایش و عمیق‌تر شدن آشنایی اروپاییان با مشرق مربوط به نیمه دوم قرن ۱۸ می‌باشد؛ زمانی که در فرانسه «گالان» اقدام به انتشار ترجمه داستان‌های عربی «هزار و یک شب» نمود و پس از او «پتی د لا کروا» ترجمه «تاریخ شاهان و وزیران فارس، داستان‌های فارسی» و سپس «هزار و یک روز، داستان‌های فارسی» را منتشر کرد که این آثار به شدت مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت.

نویسندگان، اندیشمندان و شاعران روس‌زبان، اسلام را به‌عنوان جزء لاینفک مشرق زمین می‌شناختند و نظر به مشرق زمین برای آنان زمینه‌ساز نظر به اسلام بود. شایان ذکر است که در قرن هجدهم و حتی به جرئت می‌توان گفت پیش از اینکه پوشکین شعر «پیامبر» خود را بسراید، تصویری که از اسلام و پیامبر اکرم ﷺ در اشعار شاعران روس‌زبان ارائه می‌شد، تصویر آمیخته با برداشت‌های عمدتاً نادرست شخصی شاعران بود.

در قرن نوزدهم، یعنی در قرن طلایی ادبیات روسیه، علاقه و کشش شعرای روس‌زبان به شرق و کشورهای مسلمان‌نشین به شکوفایی و اوج خود می‌رسد. در این دوره است که مشرق زمین، اسلام، قرآن کریم و حضرت محمد ﷺ در نظر روس‌زبانان مفهوم و رنگ تازه‌ای به خود می‌گیرند. به جرئت می‌توان گفت یکی از دلایل این امر و حتی مهم‌ترین دلیل آن، بیشتر شدن رفت‌وآمد روس‌زبانان به منطقه‌ی قفقاز در ابتدای قرن نوزدهم بود و اینکه این منطقه دریچه‌ای برای آشنایی آنان با مشرق زمین، اسلام و فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌آمد.

در دوره‌ی قاجار و در پی جنگ‌های ایران و روسیهف بخش‌هایی از شمال ایران، از جمله ارمنستان، ایالت‌های شرقی گرجستان و قفقاز از ایران جدا شدند و تحت سلطه و تملک روسیه‌ی تزاری در آمدند. از آنجا که قفقاز تا پیش از عهدنامه گلستان، یعنی تا تاریخ بیست و پنجم اکتبر ۱۸۱۳ (سوم آبان ماه ۱۱۹۲) بخشی از خاک ایران به‌شمار می‌آمد، پُر واضح است که مذهب و آداب و سنن مردم ساکن در این منطقه، همان مذهب و آداب و سنن مردم ایران بود.

رفت و آمد روس‌ها به قفقاز و مراودات و تعاملات اجتماعی آنان با ساکنان این منطقه باعث شد تا رفته رفته عقاید پیشین آنان نسبت به اسلام و مسلمانان رنگ بازو و با اسلام واقعی و مسلمانان واقعی در عمل روبرو شوند و این بود که در اشعار شعرایی که در این منطقه به دنیا آمده بودند و یا دوره‌ای از زندگی خود را در آنجا گذرانده بودند، موضوعات اسلامی با رنگ و بوی جدید نمودار شد.

بحث اصلی

۱. درژاوین

گاوریل رامانویچ درژاوین (۱۸۱۶-۱۷۴۳) شاعر عصر روشنگری، اولین شاعر روس‌زبانی بود که در آثار خود از اسلام و حضرت محمد ﷺ با احترام یاد کرد. پیش از درژاوین آنچنان که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، اغلب شعرا و نویسندگان روس، تصور درستی از اسلام و حضرت محمد ﷺ نداشتند و این تصور نادرست را در آثار آنان نیز می‌توان مشاهده کرد. در اثبات این مطلب، خانم ناتالیا چالیسوا، رییس مرکز مطالعات تطبیقی فرهنگ شرق و غرب، در باره‌ی برداشت نویسندگان روس از ادبیات فارسی چنین می‌نویسد: «در قرن هجدهم برداشت از ادبیات شرقی آمیزه‌ای از این موارد بوده است: غزلیات عاشقانه‌ی حافظ، پنندهای حکیمانه‌ی سعدی، حرف‌های پیامبر دروغینی به نام محمد و سوژه‌هایی که معتقدان به کتب مقدس با آنها آشنا هستند.» (چالیسوا، ۲۰۰۰: ۲۴۵).

حال، این سؤال مطرح می‌شود که چرا درژاوین بر خلاف شاعران معاصر و ماقبل خود در اشعارش با احترام از پیامبر ﷺ یاد می‌کند؟ ریشه‌ی این مطلب کجاست؟ و آیا درژاوین شناخت درستی از اسلام و پیامبر ﷺ داشته است و بر اساس این شناخت، اشعار خود را سروده و یا این موضوع دلایل دیگری دارد؟

پاسخ را باید در زندگی این شاعر برجسته‌ی روس جست و به سه گونه می‌توان به این سؤال پاسخ داد:

۱. نسب خانوادگی درژاوین به یکی از نژادهای تاتاری برمی‌گردد. وی در یکی از خانواده‌های نجیب‌زاده تاتاری در نزدیکی قازان متولد شد. طبیعتاً ریشه‌های مذهبی خانواده وی که از تاتارها

۱. Гаврил Романович Державин.

بودند - همان طور که می‌دانیم، همچنان نیز دین غالب مردم منطقه تاتارستان اسلام است - از زمان تولد بر تربیت و نگرش‌های درژاوین تأثیر گذاشت.

۲. درژاوین کودکی خود را در قازان که یکی از مهم‌ترین شهرهای روسیه به‌شمار می‌آمد، در میان مسلمانان سپری کرد. قازان پیش از سال ۱۵۵۲ میلادی و تسخیر به دست ایوان مخوف، محل زندگی تاتارهای مسلمان بود و در آنجا، مساجد بسیاری از جمله بزرگ‌ترین مسجد روسیه با نام «مسجد قل شریف» وجود داشت؛ اما پس از تسخیر، شمار زیادی از تاتارهای مسلمان به دست روس‌ها کشته شدند و مابقی آنها یا سرکوب و یا مجبور به پذیرش مسیحیت شدند. هرچند این شهر به دست روس‌ها تسخیر شد؛ اما همچنان در قرون پس از تسخیر، مردم ساکن در آن، آداب و رسوم و مذهب خود را هرچند به صورت پنهانی حفظ کردند.

درژاوین در چنین محیطی رشد کرد و نسبت به اسلام و پیامبر آن شناخت پیدا کرد و با توجه به این شناخت و با این پیش زمینه، در آثار خود نیز از ایشان با احترام یاد می‌کرد. او در بند آخر اودای (شعر) معروف و بلند خود به نام «Фелица» (در اسطوره‌های روم به خداوند خوشبختی و موفقیت اطلاق می‌شده است) که در سال ۱۷۸۲ سروده شده است، حضرت محمد ﷺ را با احترام می‌خواند:

"Прошу великого Пророка,
Да прах ног твоих коснусь,
Да слов твоих сладчайша тока
И лицезренья наслаждусь!"...

«به پیامبر عظیم الشان متوسل می‌شوم، آری گرد و غبار پاهایت را لمس می‌کنم، و از شنیدن سخنان شیرینت و از تماشای جمال رویت غرق در لذت می‌شوم!...»

۳. نظریه‌ی دیگری نیز در این رابطه وجود دارد: به نظر می‌رسد که نظر درژاوین نسبت به اسلام و پیامبر عظیم الشان آن تنها مربوط به آموزه‌های زندگی شخصی او نبوده است. درژاوین شاعری درباری به‌شمار می‌آمد که به دربار کاترین دوم (دوره حکومت: نهم ژوئیه ۱۷۶۲ تا هفدهم نوامبر ۱۷۹۶) رفت‌وآمد داشت. او همچنین، شخصیتی سیاسی و حتی مشاور سیاسی نیز به‌شمار می‌آمد.

در زمان امپراطوری کاترین دوم، مرزهای امپراطوری روسیه گسترش پیدا کرد و بخشی از مناطق مسلمان‌نشین، تحت سلطه‌ی این امپراطوری درآمدند. بنابه گفته‌ی سینلنیکوف: «پادشاه،

این هدف را پیش روی خود قرار داد که روسیه را به امپراطوری‌ای تبدیل کند که در آن نمایندگان تمامی مذاهب وجود دارند و در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی دارند. در ژاوین هم در این میان، قواعد بازی را آموخت و پذیرفت. «سینلنیکوف، ۲۰۰۸، ۹» و به خاطر خوشایند کاترین دوم در اشعارش از پیامبر ﷺ به نیکی یاد می‌کرد.

دیگر نویسندگان، در آثار خود به صورت مؤدبانه و احترام‌آمیز از پیامبر اکرم ﷺ یاد نمی‌کردند. دلیل این امر، این بود که در آن زمان، ادیبان و اندیشمندان روس بر این باور بودند که اسلام یک سیستم فلسفی یا ایدئولوژیک و ساخته و پرورده‌ی فردی به نام محمد است و نه یک دین آسمانی. به همین دلیل، غالباً کلمه «محمدیت» به عنوان جایگزین کلمه‌ی اسلام مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این سال‌ها حتی «سنت‌های تصویرگری شرقی در ادبیات روسیه فقط به عنوان یک روش آراستن متن و پدیده‌ای بیرونی محسوب می‌شد. برای مثال، این سنت‌ها در اثری از کاترینای دوم تحت عنوان: "Сказка о царевице Хлоре"، یعنی «داستان شاهزاده کلر» نمود بارز داشت. «ایسایف، ۲۰۰۹، ۸»

در سال ۱۷۱۹ به دستور پتر کبیر، کتابی با عنوان: "Книга систима или состояния Мухаммеданской религии" یعنی «مبانی و موقعیت مذهب محمد» توسط دیمتری کنستانتینویچ کانتی میر (۱۷۲۳-۱۶۷۳)، دانشمند و شخصیت سیاسی روسیه، به نگارش در آمد. این کتاب، دربردارنده‌ی انتقاداتی به اسلام و معرفی نادرست این دین آسمانی و پیامبر اکرم ﷺ است. همانطور که مشاهده می‌شود نام کتاب نیز در بردارنده نگاه نادرست به اسلام و حضرت محمد ﷺ به عنوان یک پیامبر الهی است. انتشار چنین نظراتی راجع به اسلام در روسیه‌ی آن زمان منجر به به وجود آمدن حس خصومت نسبت به اسلام شد. چنین حسی نسبت به اسلام و حضرت محمد ﷺ تا ابتدای قرن نوزدهم در جامعه غالب بود.

۲. یاکوبویچ

لویکیان آندره ویچ یاکوبویچ (۱۸۳۹-۱۸۰۵) شاعر معاصر پوشکین و از نویسندگان روزنامه ادبی بود. وی به پوشکین علاقه بسیاری داشت و همیشه این افتخار را داشت که پوشکین برای چاپ شعر در روزنامه از وی درخواست شعر می‌کرده است. وی پنج سال بعد از انتشار مجموعه اشعار «تأسی از قرآن» پوشکین که جایگاه بسیار رفیعی در ادبیات و شعر روسیه پیدا کرد، شعر «فصل ۹۱ قرآن» را سرود که اقتباسی بود از سوره ۹۱ قرآن یعنی سوره شمس.

"Клянусь солнцем и луною,
Клянусь ночью и днем,
Клянусь небом и землею,
Клянусь ослицей и конем;
..."

«قسم به خورشید و ماه، قسم به شب و روز، قسم به آسمان و زمین، قسم به الاغ و اسب (چهارپایان)»...

همان طور که مشاهده می‌شود، این ابیات برگرفته از آیات آغازین سوره شمس است و ادامه شعر نیز ارجاعات زیادی به این سوره مبارکه دارد.

یاکوبوویچ که به پوشکین و دیدگاه‌های وی علاقه زیادی داشت، تحت تأثیر وی بود و در اشعار دیگر خود نیز از مضامین شرقی و اسلامی و قرآنی بهره جست. وی شعری به نام «ایران» دارد که در آن به تمجید عمیق از این سرزمین می‌پردازد و نیز شعر دیگری با عنوان «تاسی از سعدی» دارد و با بهره‌گیری از مضامین اشعار سعدی، شعری را سروده است.

۳. کاتنین

یکی دیگر از شاعرانی که به واسطه‌ی زندگی در قفقاز و در اثر معاشرت با مسلمانان این منطقه، با مفاهیم شرقی و مذهب اسلام آشنایی پیدا کرد و در اشعارش نیز از این مفاهیم سود جست، پاول الکساندروویچ کاتنین (۱۸۵۵-۱۷۹۲)، شاعر، نمایشنامه‌نویس، منتقد ادبی و مترجم است. او در آثار خود به موضوعاتی می‌پردازد که برای مسلمانان حائز اهمیت هستند. همان‌گونه که اشاره کردیم، آشنایی او با شرق و اسلام در قفقاز، جایی که دو سال در خدمت ارتش بود، اتفاق افتاد. تجربه‌ی زندگی در قفقاز و آشنایی با تاریخچه‌ی غنی ادبیات عرب و تاریخچه‌ی با شکوه اسلام، تأثیر به‌سزایی بر این شاعر گذاشت. شعری تحت عنوان "Гнездо Голубки" یعنی «لانه‌ی کبوتر» نتیجه‌ی زندگی کاتنین در قفقاز است. او در این اثر، از حضرت محمد ﷺ و دین اسلام به نیکی و با احترام یاد می‌کند.

۴. ماناسئین

پیوتر پیتروویچ ماناسئین (۱۸۳۷-۱۸۰۳) از شاعران اوایل قرن ۱۹ روسیه است که پدرش

افسر پادگان قازان بود و خودش نیز بعدها به منطقه قازان نقل مکان کرد و به همین دلیل، با مفاهیم شرقی آشنا بود. او شعری را با عنوان: " Ад и рай Магометов "، یعنی «جهنم و بهشت محمد» سرود و در آن، با استفاده از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی پیامبر ﷺ به مطالب مربوط به معاد و زندگی پس از مرگ پرداخت. این شعر نیز به تبعیت از اشعار «تأسی از قرآن» پوشکین با عبارت «قسم به» آغاز می‌شود.

Клянусь ночи темнотой,"

Клянусь солнцева восхода

Невыразимой красотой

"...

«قسم به تاریکی شب، قسم به زیبایی وصف ناپذیر طلوع خورشید...»

وی در این اشعار، در بیان حالات و دیدگاه‌های پیامبر اسلام ﷺ و همچنین تشبیه توصیفات قرآن به کتاب مقدس، نگاهی مشابه پوشکین دارد؛ ولی در ارائه مطالب مربوط به معاد و زندگی پس از مرگ، نظرات خاص خود را دارد.

۵. پوشکین

تا بدین جا از شاعرانی یاد کردیم که به نوعی از پیامبر ﷺ در اشعار خود یاد کرده بودند؛ اما باید گفت که اشعار پوشکین در باره‌ی اسلام و حضرت محمد ﷺ، به خصوص شعر «پیامبر» و سیکل اشعار «به تأسی از قرآن» نقطه‌ی عطفی در آثار ادبا و شاعران روس‌زبان در باب درک منطقی و منصفانه از اسلام است. پوشکین اولین شاعر در بین شعرای روس‌زبان است که با واقع-گرایی و بیانی منطقی به موضوعات و سوژه‌های قرآنی می‌پردازد. سیکل اشعار «به تأسی از قرآن» شامل نه شعر است که در سال ۱۸۲۵ پس از اینکه پوشکین ترجمه‌ی قرآن را مورد مطالعه قرار می‌دهد، سروده شده‌اند. او در این مجموعه، به تبیین موضوع وحی کتاب آسمانی بر پیامبر ﷺ، معجزه بودن قرآن و شاعر نبودن حضرت می‌پردازد و می‌نویسد: محمد ﷺ تنها شنونده، دریافت‌کننده و منتقل‌کننده‌ی وحی بود. پوشکین اشعار بسیاری در باب ماهیت وحی بر پیامبر ﷺ از جانب پروردگار دارد.

در اینجا، به‌طور مشخص، به بیان مضامین بیان شده در هر یک از این نه شعر می‌پردازیم؛ در اولین شعر این سیکل، موضوع وحی قرآن بر پیامبر اکرم ﷺ، قدرت پروردگار و رحمت

واسعه‌ی او بر تمام انسان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در دومین شعر، در باره‌ی همسران پیامبر ﷺ و زندگی ایشان سخن می‌گوید. سومین شعر این سیکل، بر اساس محتوای سوره‌های «عبس»، «واقعه» و «حج» سروده شده است.

شعر چهارم و پنجم این سیکل به نوعی بیان و برداشت آزاد پوشکین از آیه‌ی ۲۵۸ سوره‌ی بقره است که می‌فرماید: «مگر نشنیدی سرگذشت آن کسی را که خدا به او سلطنت داده بود و غرور سلطنت کارش را به جایی رساند که با ابراهیم در مورد پروردگارش بگومگو کرد! ابراهیم گفت: خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. او گفت: من زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خدای یکتا، خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد، تو آن را از مغرب بیاور! در اینجا بود که کافر میبهوت شد. و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.» (قرآن کریم)

پوشکین شعر ششم این سیکل را به کسانی که در نبرد با مشرکان و بت‌پرستان کشته شده‌اند، تقدیم می‌کند و به بهشتی که جایگاه آنان است، اشاره می‌کند. او در شعر هفتم، به بازگو کردن سوره‌ی «آل عمران» با زبان شعر می‌پردازد و شعر خود را با خطاب به پیامبر ﷺ شروع می‌کند.

شعر هشتم این سیکل، دربردارنده‌ی مناجات پوشکین است که مضامین این مناجات از سوره‌های مختلفی که در آنها از برخورد و رفتار منصفانه با ایتام و مستمندان سخن به میان آمده، علی‌الخصوص آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی «نور» گرفته شده است که می‌فرماید: «و سرمایه داران و فراخ‌دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.» (قرآن کریم) این شعر، به زکات نیز اشاره دارد.

پوشکین در شعر نهم از این سیکل اشعار، به بیان برداشت خود از آیه‌ی ۲۶۱ سوره‌ی بقره می‌پردازد که می‌فرماید: «مثل [انفاقات] کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند؛ در هر خوشه‌ای یکصد دانه باشد [پس انفاق هر چیزی هفتصد برابر پاداش دارد] و خداوند برای هر که بخواهد [و حکمتش اقتضا کند] چند برابر می‌کند و خداوند [از نظر وجود و توان و رحمت] دارای وسعت است و داناست.» (قرآن کریم)

به‌طور کلی، می‌توان گفت پوشکین این شعر را با تأثیرپذیری از کلام وحی سروده است و به

نوعی، سعی داشته در سرایش اشعار خود از سبک و سیاق آیه‌های قرآن پیروی کند. یکی دیگر از آثار پوشکین که در آن از پیامبر اسلام ﷺ سخن به میان می‌آید و توجه بسیاری را به خود معطوف می‌دارد، شعر «پیامبر»، به روسی: "Пророк" است. البته، هنوز هم بحث بر سر اینکه شاعر در این شعر به کدام پیامبر اشاره می‌کند و از کدام پیامبر سخن به میان می‌آورد، ادامه دارد. منتقدانی که به بحث و بررسی این شعر پرداخته و می‌پردازند، بر سر این موضوع، اختلاف نظر دارند. می‌توان این نظرات را در دو گروه کلی جای داد:

۱. دسته‌ی اول بر این باورند که پیامبر پوشکین همان پیامبر کتاب مقدس است. (سورات،

۲۰۰۰: ۲۴۰)

۲. دسته‌ی دوم بر این عقیده‌اند که پیامبر پوشکین و پیامبر اسلام ﷺ دارای شباهت‌های غیر قابل انکاری هستند و قهرمان اصلی شعر پوشکین همان پیامبر اسلام ﷺ است. (چرنیایف، ۱۸۹۸: ۷۵)

الکسی‌یف در این زمینه، می‌نویسد: «پوشکین در هنگام سرودن این شعر می‌تواند از کتاب مقدس و یا قرآن الهام گرفته باشد.» و با توجه به اینکه پوشکین پیش از سرودن این شعر، قرآن را که توسط میخائیل ایوانوویچ وریووکین ترجمه شده بود، مورد مطالعه و بررسی قرار داده بود، می‌توان گفت که این شعر را با تأثیر از قرآن سروده است. تاریخ سرایش این شعر سال ۱۸۲۸ می‌باشد؛ یعنی پوشکین سه سال پس از سرودن سیکل اشعار "Подражания корану" (۱۸۲۵) مصادف با زمانی که اشعاری را در باره‌ی قرآن می‌سروده، به نوشتن این اثر پرداخته است.^۱

به نظر نگارنده، اگرچه این شعر در پی قیام دکابریست‌ها در سال ۱۸۲۵ و خفقان حاکم بر جامعه‌ی آن زمان، با بیانی استعاری و رمز گونه سروده شده است و مقصود از پیامبر در این شعر خود پوشکین است؛ اما آنچه که از ظاهر اثر برمی‌آید این است که شاعر با بهره‌گیری از وقایع زندگی پیامبر اکرم ﷺ و در لفافه در آن فضا لب به سخن می‌گشاید.

همان گونه که گفتیم این شعر با الهام از زندگی پیامبر اسلام ﷺ سروده شده است؛ چراکه چه در این شعر و چه در اشعار دیگر پوشکین که در آنها از «پیامبر» نام برده می‌شود، اشاراتی به زندگی پیامبر اسلام ﷺ وجود دارد که کاملاً با وقایع زندگی آن حضرت همخوانی و مطابقت دارد.

۱. Хешам Мохаммед Махмуд. Образ пророка Мухаммада в русской поэзии конца 18-19 веков, филология и культура, 2014, no 2 (36).

همین امر، دلیل متقنی برای اثبات این مدعا می‌باشد که این شعر با الهام از زندگی پیامبر اکرم ﷺ سروده شده و منظور و مقصود از «پیامبر» همان پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ است.

هشام محمود برای اثبات این مدعا دلایلی را به شرح زیر می‌آورد:

۱. تحنت یا به قول شاعر «عطش و شوق معنوی»

"Духовной жаждой томим,"

"В пустыне мрачной я влачился..."

«از عطش و شوق معنوی در سوز و گداز، در بیابان تاریک به سختی راه می‌رفتم...»

این به قول شاعر «شوق معنوی» که در اولین بیت این شعر به کار رفته است، مربوط به واقعیتی از زندگی حضرت محمد ﷺ است. پیش از اینکه محمد ﷺ به سن چهل سالگی برسد و به پیامبری مبعوث شود، دوره «شوق معنوی» را در غار حراء و دور از مردم برای تفکر می‌گذراند. پیامبر ﷺ «هر سال یک ماه را در غار حراء گوشه‌نشینی اختیار می‌کرد. قریب این گوشه‌نشینی‌ها را که در دوران جاهلی شناخته شده بود، «تحنت» می‌نامید. وی در این مدت، فقیرانی که نزد او می‌آمدند، اطعام می‌کرد و پس از اتمام گوشه‌نشینی، هفت بار یا بیشتر به طواف کعبه می‌پرداخت و در نهایت، به خانه بازمی‌گشت.» (ابن هشام عبدالملک: ۲۳۶)

۲. نازل شدن فرشته وحی یا جبرئیل بر پیامبر ﷺ

"И шестикрылый серафим"

"На перепутье мне явился"

«و فرشته ای که شش بال داشت، بر سر راهم پدیدار شد»

نازل شدن فرشته بر قلب پیامبر ﷺ برای اولین بار در غار حراء به وقوع پیوست. از آن زمان بود که وحی بر قلب مبارک پیامبر ﷺ نازل می‌شد. باید خاطر نشان کرد که «فرشته با شش بال» بر پیامبر کتاب مقدس نیز فرود می‌آمده؛ اما در قرآن سوره‌ای به نام «فاطر» وجود دارد، نام دیگر این سوره «الملائکه» است. در این سوره، از این فرشتگان نام برده می‌شود. در آیه‌ی اول این سوره چنین می‌خوانیم: «سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند، پیام‌آورنده برای پیامبر قرار داده است. در آفرینش هر چه بخواهد، می‌افزاید؛ زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.»

۳. معراج پیامبر

"И внял я неба содроганье,"

"И горний ангелов полет..."

«و من آسمان را با حرکتی تسخیر کردم، و پرواز روح به اوج فرشتگان...»
بولدیرف در مقاله‌ای با عنوان: "Путешествие Магомета на небо" که در سال ۱۸۱۵ در مجله‌ی «Вестник Европы» به چاپ رسیده است، در باره‌ی معراج حضرت محمد ﷺ سخن می‌گوید و به احتمال زیاد، پوشکین تمامی شماره‌های این مجله را مطالعه کرده است.

شاید دومین مورد یاد شده، یعنی نزول فرشتگان بر قلب پیامبر ﷺ برای اثبات این امر که این شعر پوشکین با الهام از زندگی پیامبر اسلام ﷺ سروده شده است، مورد ایهام قرار گیرد و گفته شود که فرشتگان خداوند بر دیگر پیامبران نیز نازل می‌شدند؛ اما این مورد، یعنی «معراج» به هیچ وجه نمی‌تواند محل شک و تردید باشد؛ چراکه به گواهی تاریخ، تنها پیامبر اسلام ﷺ معراج را تجربه کرده‌اند.

۴. آغاز رسالت پیامبر

"И бога глас ко мне воззвал:"

«Восстань, пророк, и виждь, и внемли,

Исполнись волею моей, ...

"Глаголом жги сердца людей»

«و خداوند به من فرمود: برخیز ای پیامبر! و بین و بشنو! اراده من را برآورده کن!... با یک جمله، قلب مردم را روشن گردان!»

بر کسی پوشیده نیست که حضرت محمد ﷺ پیش از نبوت، امّی و درس‌نخوانده بودند و هنگامی که در غار حرا به ایشان وحی شد و از جانب پروردگار به ایشان فرمان داده شد که «بخوان»، ایشان شروع به خواندن کلام وحی کردند. با استفاده از آیات آغازین سوره‌ی مدثر، می‌توان این موضوع را به اثبات رساند که پوشکین در این شعر، به نوعی و با زبان خویشتن به ترجمه‌ی همین آیات پرداخته است و این شعر در باره‌ی پیامبر اکرم ﷺ است.

از آیات سوره «مدثر» چنین برمی‌آید که خداوند به رسول خود، یعنی حضرت محمد ﷺ فرمان داد که به تبلیغ دین اسلام بپردازد و مردم را پند و اندرز دهد. ترجمه الهی قمشه‌ای از آیات اول و دوم این سوره به این قرار است: «الا ای رسولی که خود را به لباس [حیرت و فکرت] در پیچیده‌ای (۱) برخیز و به اندرز و پند، خلق را خداترس گردان!» (۲) «قرآن کریم» پوشکین در این

بند شعر خود، به همین نکته اشاره کرده است.

با توجه به دلایل مذکور، می‌توان گفت که این شعر پوشکین، یعنی شعر «پیامبر» دربردارنده‌ی وقایعی از زندگی پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ است و به‌یقین منظور از «پیامبر»، حضرت محمد ﷺ می‌باشد و نه کس دیگر.^۱

پوشکین در زندگی حرفه‌ای خود، به شاعر و رسالت او می‌اندیشید و دغدغه‌ی اصلی حرفه‌ای او همین مطلب بود و آنچه توجه پوشکین را در سیمای حضرت محمد ﷺ به خود جلب می‌کرد، این موضوع بود که بین شاعر و پیامبر اشتراکات غیر قابل انکاری وجود دارد که مهم‌ترین آنها این امر است که شاعر واقعی مانند پیامبر برای هدفی انتخاب شده است؛ با این تفاوت که به پیامبر از جانب خداوند وحی می‌شود ولیکن شاعر الهامات شعری را دریافت می‌کند.

در سیکل اشعاری که با نام «به تاسی از قرآن» از پوشکین به یادگار مانده است نیز شاعر به همین دغدغه‌ی ذهنی خویش می‌پردازد و مفهوم «پیامبر-شاعر» را در این اشعار می‌پروراند و بار دیگر با تکیه بر بیوگرافی و زندگینامه‌ی حضرت محمد ﷺ اشعار و ابیات جدیدی می‌سراید.

برای مثال، در اولین شعر از این مجموعه می‌خوانیم: "И скрыл от зоркого Гоненья" (و از چشمان بینا پنهان شد) که با توجه به زندگینامه‌ی پیامبر ﷺ می‌توان به این نتیجه رسید که پوشکین در این مصرع، راجع به زندگی سخت پیامبر ﷺ با هم‌قبیله‌ای‌هایش در مکه و آزار و اذیت آنان نسبت به او در زمان دعوت پنهانی‌اش سخن می‌گوید.

«حضرت محمد ﷺ مدت سه سال به دعوت پنهانی پرداخت.» (ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۴۳) «زیرا هنوز محیط مکه برای دعوت آشکار مساعد نبود. او در این سه سال، به صورت پنهانی با افرادی که احساس می‌کرد آمادگی پذیرش دارند، تماس می‌گرفت و آنها را به یگانگی خدا و پرستش او و نبوت خویش دعوت می‌کرد. در این مدت، قریش از ادعای او خبر داشتند و وقتی او را در معابر می‌دیدند، می‌گفتند: جوان بنی‌عبدالمطلب از آسمان سخن می‌گوید.» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۱۵)

با توجه به نکاتی که به ذکر آنها خواهیم پرداخت، پوشکین بین زندگی خود و زندگی حضرت محمد ﷺ شباهت‌هایی می‌دیده که مفهوم «پیامبر-شاعر» تا این حد در نظر او مهم جلوه کرده و شماری از اشعار خویش را به همین موضوع اختصاص داده است.

۱. Хешам Мохаммед Махмуд. Образ пророка Мухаммада в русской поэзии конца 18-19 веков, филология и культура, 2014, no 2 (36).

زمانی که پوشکین شعر «پیامبر» خویش را می‌سراید، مصادف با «زمانی است که در روسیه سلطه‌ی دکابریست‌ها به پایان رسیده است و خودش نیز به میخایلو ف تبعید می‌شود.» (گینزبورگ، ۱۹۶۵: ۱۵۰)

شاعر بین وقایع زندگی خویش و پیامبر ﷺ شباهت‌هایی را می‌یابد که از آن جمله‌اند:

۱. همان‌گونه که حضرت محمد ﷺ مورد سرزنش و اتهام از طرف جامعه قرار می‌گیرد، پوشکین نیز به خاطر اشعار ضدحکومتی خود مورد اهانت و سرزنش واقع می‌شود.
۲. همان‌گونه که پیامبر ﷺ مجبور به هجرت از مکه به مدینه می‌شود، پوشکین نیز به میخایلو ف تبعید می‌شود.

او در نامه‌ای به پیوتر آندریویچ ویاژیمسکی (۱۸۷۸-۱۷۹۲)، شاعر، منتقد و مترجم هم‌عصر خود به صورت طنزآمیز در باره‌ی موضوع «پیامبر-شاعر» و به‌طور خاص راجع به تبعید خود به میخایلو ف، با الهام از زندگی پیامبر ﷺ چنین می‌نویسد: «به این ترتیب، مجبور شدم از مکه به مدینه هجرت کنم، قرآن در هنگام هجرت در دستان من بود و به همین دلیل، مؤمنان تا کنون منتظر کلام وحی هستند.» (پوشکین، ۱۹۵۸: ۹۰۲)

دو کلمه در این نامه، توجه انسان را به خود جلب می‌کند یکی «قرآن» و دیگری «مؤمنان». با توجه به شباهتی که پوشکین بین خود و پیامبر ﷺ می‌بیند، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که منظور او از «قرآن» همان دفتر اشعارش است و منظور او از کلمه‌ی "правовверные" (مؤمنان) که بارها در سیکل اشعار "Подражания корану" از آن استفاده می‌کند کسانی است که با او هم‌عقیده هستند. او از اصطلاحات رایج مسلمانان در اشعار خویش سود می‌جوید و کلمه «مؤمنان» را در تضاد با کلمه‌ی «کافران»، به روسی "нечестивые" به‌کار می‌برد.

پوشکین برای پیامبر اکرم ﷺ ارزش و احترام بسیاری قائل بوده است و این احترام، نه تنها به خاطر اهمیت حضرت محمد ﷺ در فرهنگ اسلامی-شرقی و شخصیت برجسته‌ی آن حضرت است؛ بلکه با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان گفت که بخشی از آن هم به‌دلیل این بوده که پوشکین وجوه تشابهی را در زندگی خویش و پیامبر ﷺ جسته و به‌دلیل آنکه در آن روزگار نمی‌توانسته صریح و بی‌پرده از حقایق سخن بگوید، از بیان دیگرگونه‌ی مطالب با کلماتی رمزآلود برای رساندن مفاهیم مورد نظر خود به دیگران سود جسته است و در شعر «پیامبر» ضمن اینکه با شناخت و ارادت به پیامبر ﷺ واقعیاتی را از زندگی آن حضرت بیان کرده است، با بیانی

رمزگونه و در ادامه‌ی وقایع و حوادث پس از قیام دکابریست‌ها، نقش برجسته و اساسی خویش را به عنوان رهبر و سردمدار این قیام تبیین می‌کند.

پس از پوشکین، می‌توان گفت عمدتاً به تبعیت از او، شاعران نامدار و پر آوازه‌ی دیگری نیز از پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ در اشعار خود یاد کرده‌اند. در این میان، می‌توان به لرمانتوف، ولتمان، تیوتچف، پالونسکی و دیگران اشاره کرد. نکته جالب این است که بعد از پوشکین شاعرانی با تأسی از شعر پیامبر او، اشعاری با همان نام پیامبر سروده‌اند که از آن جمله‌اند: لرمانتوف، نکراسوف و کامینسکی.

۶. موراویوف

آندری نیکولایویچ موراویوف (۱۷۹۲-۱۸۶۳) نویسنده و شاعر روس است که یکی از پایه‌گذاران نهضت دکابریست‌ها بود. وی در همان دوره‌ای می‌زیست که نگاه جدید به مشرق زمین و دین اسلام و پیامبر اکرم ﷺ پدیدار شده بود. وی در بخشی از یکی از نمایشنامه‌های خود، شعری با عنوان: "Песнь дервиша" (ترانه درویش) دارد که در آن هم‌زمان به چندین مفهوم اساسی مختلف از دین اسلام اشاره می‌کند.

Аллах дает нам ночь и день,
Чтоб прославлять его делами;
Светило дня – его лишь тень –
Виновных обличит лучами.
Аллах керим! Аллах керим!

...

Здесь время на земле дано
Для покаянья человеку.
Страшитесь, улетит оно,
Спешите с милостыней в Мекку!
"...Аллах керим! Аллах керим!"

«خداوند به ما روز و شب را می‌بخشد؛ تا ما با اعمال خود او را بپرستیم. روشنایی روز، بلکه فقط سایه روشنی از آن، گناهکاران را رسوا می‌سازد. خداوند کریم است! خداوند کریم است!...»

اینجا بر روی زمین، به انسان، زمان برای توبه داده شده است، بترسید که زمان چون باد می‌گریزد. بشتابید به سوی مکه با خیرات خویش، خداوند کریم است! خداوند کریم است!...» در این شعر، به مطالب مختلفی از دین اسلام اشاره شده است: خدایی که خالق مقدر است، پیامبری که آماده کمک به بندگان است، اجرای بعضی واجبات اسلام، مانند: برپایی نماز، زیارت خانه خدا در مکه.

۷. لرمانتوف

میخائیل یوریویچ لرمانتوف (۱۸۴۱-۱۸۱۴) شاعر برجسته‌ای است که در اشعار خویش به زندگی و شخصیت پیامبر اسلام ﷺ اشاراتی داشته است. جالب توجه است که این شاعر پر آوازه-ی روس نیز شعری همنام با شعر پوشکین یعنی "Пророк" به فارسی «پیامبر» سروده است. در این شعر که به‌عمد، همنام با شعر «پیامبر» پوشکین و به‌تبع آن شعر و در ادامه و تکمیل آن سروده شده است، مفهوم «پیامبر-شاعر» پرورده می‌شود.

شعر «پیامبر» پوشکین با این جملات به اتمام می‌رسد: «ای پیامبر! برخیز و گوش فرا ده! اراده‌ی مرا به انجام رسان و با سخت قلب انسان‌ها را روشن ساز!» و شعر «پیامبر» لرمانتوف با این جملات آغاز می‌شود: «از آن هنگام که خداوند علم پیامبری را به من عطا فرمود، در چشمان مردم شرارت و کینه توزی را می‌خوانم. من به تبلیغ عشق و حقیقت ناب آموزه‌هایم پرداختم؛ اما تمام نزدیکانم خشمگینانه به سویم سنگ پرتاب کردند.» به این ترتیب، به جرئت می‌توان گفت که شعر لرمانتوف از همان‌جایی آغاز می‌شود که شعر پوشکین به اتمام می‌رسد؛ یعنی شعر لرمانتوف ادامه‌ی شعر پوشکین است. قهرمان یا پیامبر شعر لرمانتوف، خود را با تمام قوا وقف هدایت مردم می‌کند و حقیقتی را که تا آن زمان پنهان کرده بود، بازگو می‌کند؛ اما مردم او را درک نمی‌کنند. به هر ترتیب، لرمانتوف با پیروی از شاعر پیشکسوت و معاصر خود، پوشکین و با تکیه بر شعر او و مفاهیم و اصطلاحات فرهنگ اسلامی، به تکمیل و توضیح شعری که پوشکین آن را آغاز کرده، می‌پردازد.

نکته‌ی قابل تأملی که در هر دو شعر به‌چشم می‌خورد، این است که هر دو شعر در وزن یامب چهار رکنی (در این وزن تکیه بر روی هجای دوم قرار می‌گیرد) سروده شده‌اند. لرمانتوف می‌توانست این شعر را در هر وزن دیگری بسراید؛ لیکن به نظر نگارنده از آنجایی که شعر او ادامه‌ی شعر پوشکین بوده است، شاعر همان وزن را برای ادامه دادن شعر و نه سرودن شعری

مجزا برمی‌گزیند.

هر چند شعر پوشکین و شعر لرماتتوف از جهاتی با یکدیگر متفاوت هستند و برای مثال، در شعر پوشکین موضوع سرزنش و آزار و اذیت دنیوی به‌چشم نمی‌خورد؛ اما لرماتتوف نیز با تأسی از پوشکین، مفاهیم و مضامین شعر خود را با بهره‌گیری از زندگی پیامبر ﷺ به تصویر می‌کشد. مقایسه‌ی محتوای شعر لرماتتوف و خصوصیات قهرمان شعر او و زندگینامه‌ی حضرت محمد ﷺ نکات قابل تأملی را برای خواننده مشهود می‌سازد که در این مقال نمی‌گنجد.

۸. ولتمان

الکساندر فامیچ ولتمان (۱۸۷۰-۱۸۰۰) زبان‌شناس، شاعر و نویسنده‌ی روس، شعری تحت عنوان "Мегеммед" به فارسی «محمد» را می‌سراید. او در این شعر، حضرت محمد ﷺ را نه به عنوان بنیان‌گذار دین جدید، بلکه به عنوان فرستاده‌ی خداوند به تصویر می‌کشد. شاعر به مدد شرح‌حال‌نویسی و توصیف شاعرانه، وقایع زندگی حضرت محمد ﷺ را بیان می‌کند و در این شعر، نام عبدالله بن عبدالمطلب و فاطمه یعنی نام پدر و مادر حضرت نیز به‌چشم می‌خورد. ولتمان با این کار خود، راه را بر برداشت‌های دوگانه و متفاوت از محتوا و قهرمان شعر خود می‌بندد؛ چراکه در دو شعر «پیامبر» پوشکین و لرماتتوف، به‌دلیل عدم اشاره‌ی مستقیم به نام پیامبر ﷺ یا دیگر اشارات واضح به افراد یا مکان‌های زندگی او، مفسران تفسیرهای گوناگونی را از این اشعار نوشته‌اند و بسیاری از آنان قهرمان شعر پوشکین را ارمیای نبی و قهرمان شعر لرماتتوف را اشعیای نبی می‌دانند. (الدیراوی، ۲۰۱۱: ۴۰)

"Эмина видит в нем свой первый плод"

"И ветвь цветущую потомства Муталеба

«آمنه، حضرت محمد ﷺ را اولین فرزند و اولین میوه‌ی زندگی خویش می‌دید

و در او شاخه‌ی پر بار فرزندان مطلب را مشاهده می‌کرد.»

۹. بستوژف

الکساندر الکساندروویچ بستوژف (۱۸۳۷-۱۷۹۷)، نویسنده، منتقد، روزنامه‌نگار و رومان‌نویس روس با نام هنری مارلینسکی فعالیت می‌نمود. وی نیز مانند بسیاری دیگر از فعالان ادبی آن دوره، جزء دکابریست‌ها بود و به همین علت، به تبعید محکوم شد. مهم‌ترین آثار بستوژف عبارت‌اند از داستان‌های: «کشتی»، «امید»، «خائن»، «اومالت بیگ»، «ملا نور». بستوژف

بخشی از محکومیت تبعید خود را در منطقه قفقاز سپری کرد و چند سال در منطقه داغستان زندگی و کار می‌کرد. زندگی در این منطقه، باعث شد وی در بسیاری از آثارش به مفاهیم شرقی به‌خصوص اسلامی بپردازد. نکته جالب در باره بستوژف این است که مفاهیم و ارزش‌های شیعی در آثار وی انعکاس زیادی داشته است و آن، بدین سبب است که منطقه داغستان جزء مناطقی در روسیه است که بیشترین آمار شیعیان را داشته و دارد. وی در یکی از مهم‌ترین آثارش یعنی «ملا نور» به نکات و جزئیات جالبی از عقاید مسلمانان و خصوصاً شیعیان اشاره می‌کند و به‌خوبی نشان می‌دهد که با علاقه و ریزبینی به زندگی و آداب و سنن مردم داغستان توجه می‌نموده است. وی در داستان «ملا نور» به مفاهیم و مقوله‌های اسلامی و شیعی مانند: کعبه، جهنم، ملا، مسلمان، شیعه، علی علیه السلام، کر بلا، حسین علیه السلام اشاره می‌کند و به بیان سنت‌ها و آداب مذهبی اهل سنت و شیعیان منطقه داغستان از جمله عزاداری امام حسین علیه السلام می‌پردازد. رسلان گالا می‌نویسد: «شرق در آثار بستوژف وسیع‌تر و عمیق‌تر از آنچه شناخته می‌شد، ارائه و توصیف شد. او موفق شد فرهنگ شرق را از درون جامعه شرقی معرفی کند؛ البته نه به عنوان یک مسافر، بلکه به عنوان یک مقیم مناطق شرقی.» (رسلان گالا، ۲۰۰۰، مقدمه)

۱۰. تیوتچف

فئودور ایوانویچ تیوتچف (۱۸۷۳-۱۸۰۳) نیز شاعر دیگری است که در شعر خود تحت عنوان: "Олегов щит"؛ یعنی «سپر اولگ» پیامبر(ص) را با مفهوم دینی «نور خداوند»؛ "Господний Свет" برابر می‌داند. (تیوتچف، ۲۰۰۲: ۷۱)

"Аллах! Пролей на нас твой свет!"

"Пророк твой – Магомет!..

«خدا! نور خود و پیام‌آور خود - محمد صلی الله علیه و آله - را بر ما بتابان!...»

در این شعر «نور تو» و «پیامبر تو» یکسان هستند. در کلام وحی نیز این قیاس به کرات به چشم می‌خورد. برای مثال، در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی مائده چنین آمده است: «ای اهل کتاب! پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب [آسمانی خود] را که پوشیده می‌داشتید، برای شما بیان می‌کند و از بسیاری [خطاهای شما] درمی‌گذرد. قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشن‌گر آمده است.» که منظور از «نور» همان پیامبر صلی الله علیه و آله است. و در آیات چهل و پنجم و چهل و ششم سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «ای پیامبر! ما تو را گواه

و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم (۴۵) و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک. (۴۶)» در این آیات نیز در بیان استعاره قرآن، پیامبر به نور و چراغ تشبیه شده است.^۱

۱۱. سالویوف

ولادیمیر سرگیویچ سالویوف (۱۸۵۳-۱۹۰۰) اندیشمند حوزه الهیات، شاعر، منتقد ادبی و روزنامه‌نگار روس است که یکی از چهره‌های سرشناس فلسفه و عرفان قرن ۱۹ روسیه محسوب می‌شود. وی بر اندیشه مذهبی بسیاری از شاعران و نویسندگان روس بعد از خود مانند: بردیایف، بولگاکف، بلوک و ... تأثیر گذاشت. او نیز از جمله بزرگان علم و ادب روسیه قرن ۱۹ است که به مسائل شرقی، به خصوص اسلامی پرداخته است. وی در اثری با عنوان: " Магомет, его жизнь и религиозное учение " و به فارسی «زندگی و آموزه های مذهبی محمد ﷺ» به بررسی وجوه مختلف شخصیت و اندیشه پیامبر اسلام ﷺ پرداخته است. اگرچه در این اثر، سالویوف با نگاهی انتقادی به بررسی موضوع پیامبر ﷺ پرداخته است؛ اما در این اثر، این گونه به عظمت پیامبر اسلام ﷺ اشاره می‌کند: «اهمیت حضرت محمد و دین او در سرنوشت بشریت آن قدر مهم و عمیق است که هر فیلسوف دین یا فیلسوف تاریخ که حتی گرایش‌های شرقی نداشته باشد و تنها دارای دیدگاه شخصی نسبت به شخصیت و فعالیت‌های پیامبر اسلام باشد، به راحتی به این نکته اعتراف می‌کند و نیازی به استدلال‌های پیچیده ندارد.» (سالویوف، ۱۹۹۱، ۴)

۱۲. پالونسکی

از دیگر شاعران روس که به موضوعات اسلامی پرداخته است، می‌توان به یاکوف پتروویچ پالونسکی (۱۸۱۹-۱۸۹۸) اشاره کرد. او چندین سال در تفلیس که محل تلاقی سنت‌های مذهبی مسلمانان و مسیحیان قفقاز به‌شمار می‌آمد، زندگی می‌کرد. در اشعار او، دو شعر با موضوعات اسلامی به چشم می‌خورد: " Из Корана "، به فارسی «از قرآن» و " Магомет пред омовением "، به فارسی «محمد ﷺ پیش از غسل». عنوان شعر اول مؤید این امر است که این شعر بر اساس سوژه‌های قرآنی نوشته شده است. علاوه بر آن، در این شعر از این مطلب

۱. Хешам Мохаммед Махмуд. Образ пророка Мухаммада в русской поэзии конца 18-19 веков, филология и культура, 2014, no 2 (36).

یاد می‌شود که محمد ﷺ به عنوان فرستاده‌ی خداوند انتخاب شد تا آنان را از حتمی بودن روز جزا با خبر سازد. (پالونسکی، ۱۹۰۶: ۷۸)

"Пророк! напomini маловерным"

Что я приду неліцемерным

Судом судить — и будет течь

Река огня в тот день, и будут

... Их на цепях железных жечь

!" Напomini им — да не забудут

«ای پیامبر! به سست‌ایمانان بگو

که من در روز جزا برای قضاوت می‌آیم.

در آن روز رودخانه‌ای از آتش جاری خواهد شد

و آنان در غل و زنجیر خواهند سوخت

یادآوری کن تا فراموش نکنند!»

شاعر در این شعر از مضمون آیات ابتدایی سوره‌ی «غاشیه»، آیه‌ی چهارم سوره‌ی «انسان» و آیات نهم تا دوازدهم سوره‌ی «اعلی» سود جسته است.

در قرن بیستم نیز شاعرانی همچون: بالمونت، بونین، آندرییف، تراپیانو و دیگران به موضوع شخصیت پیامبر ﷺ، زندگی او، بحث نبوت و احادیث او پرداخته‌اند که شرح آن، در این مقال نمی‌گنجد.

نتیجه

در قرن هجدهم تصویر اسلام و حضرت محمد ﷺ در آثار شاعران روس، تصویری آمیخته با انحرافات و تصورات نادرست بود و در اواخر قرن هجدهم و علی‌الخصوص در قرن نوزدهم این تصویر منصفانه‌تر شد و بیشتر با واقعیت منطبق گشت. دلیل این چرخش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. پیوستن قفقاز به روسیه که تا پیش از اکتبر سال ۱۸۱۳ میلادی بخشی از خاک ایران به‌شمار می‌آمد. اگر به دقت آثار شعرا و نویسندگان روس‌زبانی را که به قفقاز رفت‌وآمد داشته‌اند یا مدتی از زندگی خود را در این منطقه گذرانده‌اند، در مقایسه با آثار شعرا و نویسندگانی که

رفت‌وآمدی به این منطقه نداشته‌اند، مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که علاوه بر اینکه اشعار و داستان‌های بیشتری راجع به ایران و فرهنگ شرقی و اسلام، قرآن و حضرت محمد ﷺ در آثار دسته‌ی اول مشاهده می‌شود، قضاوت‌ها و تصاویر مربوط به فرهنگ شرقی‌اسلامی، دین مبین اسلام، قرآن و پیامبر ﷺ منصفانه‌تر و نزدیک‌تر به واقع هستند.

از نظر نگارنده، دلیل این امر، آن است که رفت‌وآمد روس‌زبانان به قفقاز و مراودات و تعاملات اجتماعی آنان با ساکنان این منطقه، باعث شد تا رفته‌رفته عقاید پیشین آنان نسبت به اسلام و مسلمانان رنگ بازو و با اسلام واقعی و مسلمانان واقعی در عمل روبرو شوند و این بود که در اشعار شعرائی که در این منطقه به دنیا آمده بودند و یا دوره‌ای از زندگی خود را در آنجا گذرانده بودند، موضوعات اسلامی با رنگ‌وبوی جدید نمودار شد.

۲. آثار الکساندر سرگوییچ پوشکین راجع به اسلام، قرآن و حضرت محمد ﷺ به‌ویژه سیکل اشعار "Подражания корану"، یعنی «به تأسی از قرآن» و همچنین شعر "Пророк"، یعنی «پیامبر» نقطه‌ی عطفی در تاریخ ادبیات روسی راجع به فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌آیند.

پوشکین پس از مطالعه ترجمه روسی قرآن، این اشعار را با تأثیرپذیری از قرآن سروده است. بر خلاف اشعار شعرای قرن هجدهم تصویری که از اسلام و حضرت محمد ﷺ در این اشعار ارائه شده است، تصویری منطبق با واقعیت و نشئت گرفته از شناخت پوشکین از قرآن و اسلام است. پر واضح است که پوشکین نه تنها به عنوان شاعری تأثیرگذار در قرن طلایی ادبیات روسیه به‌شمار می‌آمد، بلکه به عنوان شاعر و اندیشمندی توانا در تاریخ ادبیات روسیه شناخته شده است که بسیاری از شعرا و نویسندگان جوان و حتی با تجربه در قرن نقره‌ای و در دنیای معاصر به تأسی از او شعر سروده و می‌سرایند. این چنین بود که شعرای معاصر او و همچنین شعرائی که سال‌ها بعد از او به سرودن می‌پرداختند، با الگو قرار دادن آرای او در باره‌ی اسلام و پیامبر ﷺ، با بیانی احترام‌آمیز راجع به این مسائل می‌نوشتند.

به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که هر شاعر بسته به طرز تفکر، اعتقادات دینی و مذهبی خود، میزان تأثیرپذیری از دیگر شعرا، میزان آشنایی با دین اسلام و غیره تصویر متفاوتی را از پیامبر ﷺ ارائه می‌دهد.

۵. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۶

منابع

ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، ج ۱، قم: علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق زکار سهیل زرکلی، ریاض: ج ۱، بیروت: دار
الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق داغر اسعد، ج ۲، قم: دار
الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
ابن هشام عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ
شلیبی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.

Алексеев П.В. Ислам в русской литературе: рождение гипертекста. // Мир науки, культуры, образования. - Алтай: Горно-Алтайский ГУ, 2007. - №2 (5). - С. 68 - 71.

Вельтман А. Мегеммед // Московский телеграф. 1829. № 5.

Гинзбург Л.Я. Пушкин и лирический герой русского романтизма // Пушкин: Исследования и материалы / АН СССР. Ин. рус. лит. (Пушкинский дом). - М., Л., 1962. - Т. 4. - С. 140-153

Державин Г. Р. Стихотворения. Петрозаводск, «Карелия», 1984. Впервые, «Собеседник», 1783, ч. 1, стр. 5

Исаев Г. Г. Код исламской культуры в творчестве русских писателей: монография. Астрахань: Издательский дом «Астраханский университет», 2009. – 261, [3] с.

Катенин П.А. Избранные произведения. М.; Л.: Сов. писатель, 1965.

Лермонтов М. Стихотворения. Поэмы. «Маскарад». М., 1969.

Манассеин П. Ад и рай Магометов // Царское Село:

альманах на 1830 год / изд. Н. Коншиным и Б<ароном> Розеном. СПб., 1829. С. 39-48.

Марлинский А. А. Кавказские очерки. Мулла Нур // Библиотека для чтения: СПб., 1836. С. 7.

Мещеряков В. П. А.С. Грибоедов. Литературное окружение и восприятие. Л., 1983. С. 190.

Муравьев А. Н. Битва при Тивериаде // А. С. Пушкин. Современник: литератур. журн. СПб.: Гуттенберг. тип., 1836. — Т. II — С. 155—179.

Назим Межид ад Дейрави. Коран и пророк Мухаммед в русской классической поэзии. – СПб. 2011. 176 С.

Полонский Я. П. Его жизнь и сочинения. Сб. историко-литературных статей / Сост. В. Покровский. — М, 1906.

Пушкин А.С. Полное собрание сочинений: В 10 т. 4-е изд. Л.: Наука, 1977—1979.

Серов В. Золотой век русской литературы // Энциклопедический словарь крылатых слов и выражений. — М: «Локид-Пресс», 2003. — С. 115-116.

Синельников М.И. Элиф, Лам, Мим. Вступит. статья к книге «Незримое благословенье: Исламский восток в русской поэзии. - Н. Новгород: ИД «Медина», М.: изд-во «Наталис», 2008. - С. 7 - 28.

Соловьёв В.С. Магомет, его жизнь и религиозное учение. Талмуд. Алма-Ата: Казахстан: Караван: Аноубис, 1991.

Сурат И.З. Пушкин: биография и лирика: Проблемы. Разборы. Заметки. Отклики. – М.: Наследие, 2000. – 240 с.

Тютчев Ф. И. Полное собрание стихотворений. — Л.: Сов.

писатель, 1987. — С. 79 – 80.

Чалисова Н., Смирнов А. Подражание восточным стихотворцам: встреча русской поэзии и арабской поэтики // Сравнительная философия. - М.: Изд. Фирма «Восточная литература» РАН, 2000. -С.245 - 344.

Черняев Н.И. «Пророк» Пушкина в связи с его же «Подражаниями Корану». – М.: Универс. тип., 1898. – 75 с.

Хешам Мохаммед Махмуд. Образ пророка Мухаммада в русской поэзии конца 18-19 веков, филология и культура, 2014, no 2 (36).

Якубович Л. А. Из Ал-Корана, глава ХСІ // Атеней. М., 1829. № 6. Ч. 2.